

تاریخِ مہاراجا



# تاریخ جنگل

صادق مہر نوش

بہ کوشش محمد کلہر



# تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۸۰

انتشارات شیرازه کتاب ما



سرشناسه	: مهرونوش، صادق ۱۲۸۱-۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ جنگل/ صادق مهرونوش؛ به کوشش محمد کلهر.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۶۳۰ ص. مصور: ۱۴/۵۰ * ۲۱/۵۰ س م.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۸۰
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۰۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.
موضوع	: ایران-تاریخ-قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع	: Iran—History—Qajrs, 1779-1925—Protest movement
شناسه افزوده	: کلهر، محمد، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۹۲
شماره کتابشناس ملی	: ۵۷۵۹۸۲۹



## تاریخ جنگل

صادق مهرونوش

به کوشش: محمد کلهر

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: شهریور ۱۳۹۸

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: [www.shirazehketab.net](http://www.shirazehketab.net)

# تاریخ جنگل

صادق مہرنوش

بہ کوشش محمد کلہر

## فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه.....
۹	پیشگفتار.....
۱۱	سهام مهنوش در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل.....
۵۱	مقدمه.....
۵۳	قسمت اول.....
۱۲۹	قسمت دوم.....
۲۳۳	قسمت سوم.....
۳۱۹	قسمت چهارم.....
۴۱۹	قسمت پنجم.....
۵۰۹	پیوست‌ها.....
۵۱۹	توضیحات.....
۵۳۹	منابع و مأخذ.....
۵۴۷	فهرست اعلام.....
۵۹۷	تصاویر.....

## یادداشت دبیر مجموعه

تاریخ جنگل صادق مهنوش یکی از اولین تلاش‌هایی است که بعد از سقوط حکومت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و بازشدن فضای فکری و سیاسی کشور برای ثبت جوانبی چند از آن واقعه مهم تاریخی به عمل آمد. اما به رغم این فضل تقدم، تاریخ جنگل صادق مهنوش در تاریخ‌نگاری نهضت جنگل که به تدریج به یکی از حوزه‌های درخور توجه مباحث مطرح در تاریخ مهاجر ایران تبدیل شد، جایگاه شناخته‌شده‌ای نیافت.

در کنار عواملی چون انتشار بخش به بخش این متن در یک فاصله بیست ساله (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰) و احیاناً لحن روایی آن که همگی در یادداشت مبسوط پژوهشگر محترم، جناب آقای محمد کلهر در آغاز کتاب - «سهم مهنوش در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل» - مورد توجه قرار گرفته‌اند، به نوع نگاه متفاوت مهنوش نیز اشاره شده است؛ نوع نگاهی که شاید با حماسه‌پردازی‌هایی که بعدها به یک دیدگاه غالب تبدیل شد سنخیت چندانی نداشت، و احتمالاً به همین دلیل نیز از همان روز اول هدف یک بی‌اعتنایی گسترده قرار گرفت که بخشی از آن به نظر عامدانه و آگاهانه می‌آید. حال آنکه به گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد تاریخ جنگل مهنوش به‌عنوان روایت یکی از ناظران این تحولات و حتی دست‌اندرکار آن به‌عنوان

عضوی از اعضای تشکیلات اداری جنگل، جوانب گوناگونی از این موضوع را در بر می‌گیرد که در نوع خود کم‌نظیر است.

پرداختن به بخش مهم و درخور توجه رشته حوادثی که در نهایت نهضت جنگل نام گرفت از ویژگی‌های این کتاب است؛ از سرآغاز این جریان به صورت بخشی از یک تحرک عمومی در سراسر ایران به دنبال کشیده شدن دامنه جنگ به کشور که پس از پیشامد بحران تغییر پایتخت و سرریز قوای نظامی روسیه به بخش‌های وسیعی از کشور برای مدتی فرونشست تا احیای مجدد این تلاش و تحرک بعد از انقلاب ۱۹۱۷ و فروپاشی امپراتوری تزاری که در گیلان زمینه را برای بازسازی نهضت جنگل فراهم ساخت؛ نهضتی که در یک مرحله در کنار دولت مرکزی برای مدتی اداره امور را بر عهده داشت اما در مراحل بعد و به‌ویژه پس از مداخله نظامی بلشویک‌ها، در مقام تعارض با دولت مرکزی برآمد و در نهایت سرکوب شد.

کاوه بیات

## پیشگفتار

نخستین تاریخ جنگل توسط صادق مهنوش معروف به شعله، مسئول صندوق حق‌العبور جنگل در ۵ جلد به‌رشتهٔ تحریر درآمد. روایت مهنوش از تاریخ جنبش جنگل با خاستگاهی افواهی، طرحی نو در تاریخ‌نگاری جنبش درانداخت. گمنامی مهنوش و ناشناختگی اثرش، انگیزشی شد جهت انتشار مجدد آن، تا هنایش نامحسوس آن بر تاریخ‌نگاری جنبش جنگل هویدا شود.

وجیزهٔ حاضر در دو بخش سامان یافت. بخش نخست شامل سهم و نقش مهنوش در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل است. در این بخش سعی شد تا ضمن بررسی چگونگی پیدایش تاریخ‌نگاری جنبش جنگل، چرایی سهم و نقش اندک مهنوش در تاریخ‌نگاری مزبور مورد بررسی و نقد قرار گیرد. از این‌رو ابتدا به نقد درونی راوی و سپس به نقد درونی روایت مهنوش پرداخته شد تا ضمن آشکار شدن هدف غایی از نقل روایت مهنوش گفتمان اصلی موجود اما مستور در متن روایتش انکشاف یابد.

بخش دوم که بر مجلدات پنج‌گانهٔ تاریخ مهنوش اشتمال دارد، به توضیحات انتقادی و ویرایش متن اختصاص یافته است. در بخش انتقادی متن یا ویرایش علمی آن، علاوه بر توضیح پیرامون اماکن و ضبط صحیح



آن، سعی شده تا اسامی نادرست اشخاص با استفاده از روش تطبیقی سایر منابع، تصحیح شده، سپس مستندات تاریخی مهنوش از روایات داستانش تفکیک شود. البته در برخی موارد نیز، مطالبی به علت خارج از موضوع بودن حذف گردیده است که در متن بدان اشارت شده است.

در خصوص ویرایش ادبی متن علاوه بر رعایت اصول سجاوندی، تمام مطالب افزوده به متن در داخل قلاب نهاده شده است. همچنین به منظور درک بهتر از ترتیب زمانی حدوث وقایع، تمامی تواریخ موجود در متن به دو صورت گاهشماری هجری شمسی و هجری قمری، آورده شده است.

در خاتمه باید اذعان نمود که به فرجام رسانیدن اثر حاضر میسر نمی‌شد مگر به مظاهرت و معاضدت بی‌چشمداشت یار هم‌رهم سرکار خانم مریم تاج‌عینی که رهنمودهای رهگشا، بازخوانش، ویرایش متن و تهیه فهرست اعلام از اوست. همچنین سرکار خانم الهام لام که در تهیه برخی متون کمیاب به خصوص نشریه *دامون* یاری کرد مرا.

محمد کلهر

۱۰ شهریور ۱۳۹۷

## سهم مهنوش در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل

### پیدایش تاریخ‌نگاری جنگل

یادمان مجاهدان جنگل در زمانهٔ پاسارکوب جنبش به‌ویژه در هنگامهٔ اقتدار سهمگین رضاشاهی به ممنوعه‌ای سهمناک تبدیل شد. اولین و آخرین تلاش در باب ثبت وقایع جنگل در این دوران توسط علی صالحی‌لاهیجانی معروف به ساسان کی‌آرش در سال ۱۳۰۴ش، صورت پذیرفت. وی در تیر ۱۳۰۴ش، در مقاله‌ای با نام زندگان جاوید در نشریهٔ *ایران‌شهر* از گیلانیان وطن‌پرست درخواست کرد تا یاد و خاطرهٔ میرزا و جنبش جنگل را با نگارش وقایع جنگل، گرامی بدارند.<sup>۱</sup> وی در این خصوص می‌نویسد: «اکنون سه سال و اندی است که میرزا کوچک‌خان شهید شده و تن بی‌سرش در زیر انبوه خاک‌های گورستان خانقاه گیلوان مدفون و سر بی‌تنش هم در یکی از گورستان‌های گمنام تهران ناپدید شده است. غیر از پیروی از اعمال و مرام کوچک‌خان، خدمت به تاریخ نیز از وظایف مهمهٔ ماست و باید به مورخین ظاهرین کنونی که پیوسته دستخوش احساسات شخصی یا مقهور

---

۱. ساسان کی‌آرش، «زندگان جاوید، میرزا کوچک‌خان جنگلی، تقاضا از جوانان و آزادیخواهان»،

محیط نابکار خود می‌شوند، اطلاعات صحیح و خالی از کذبی داد<sup>۱</sup>... من بنده این خدمت را قبول کرده و به پاس احترام مرحوم میرزا کوچک‌خان و خدمات قابل ستایش وی، رساله‌ای در زیر عنوان «کوچک جنگلی» مشتمل بر عملیات شخصی وی در راه آزادی ترتیب داده، تقدیم اداره/ایران‌شهر نمودند که در جزو انتشارات خود چاپ کنند.<sup>۲</sup>... برای چاپ این رساله که دو جزوه از جزوه‌های انتشارات ایران‌شهر می‌شود شصت لیره برآورد شده که نصف آن را اداره/ایران‌شهر قبول می‌کند و نصف دیگر بسته به فتوت ارباب همت و معارف‌پروران واقعی است. روح کوچک‌خان مستغنی از این است که در این محیط جنایت‌بار از طرف جمعی قدرشناس، تقدیس و تقدیر شود... ولی بر شماست که حتی‌الامکان کوشش در نمایاندن احساسات پاک و کانون خاموش‌نشدنی خود نموده، به چاپ نمودن شرح احوال آن شهید پاک‌سرشت همت گمارید.<sup>۳</sup>

ابراهیم فخرایی در سال ۱۳۴۴ش، در مقدمه سردار جنگل بدون اشاره به زمان نگارش و افراد نگارنده در خصوص فرجام اولین تاریخ جنگل می‌نویسد: «حوادث جنگل بعد از پایان انقلاب به‌وسیله چند تن از بازماندگان نهضت مزبور به‌رشته تحریر درآمد و به کوشش ساسان کی‌آرش جهت طبع به آلمان فرستاده شد لیکن حسین کاظم‌زاده ایران‌شهر به جهاتی که اهم آن اقتضاء زمان بود، چاپش را مصلحت ندید و عیناً به ایران برگردانید.»<sup>۴</sup> در حالی که وی در سال ۱۳۶۳ش، در خاطراتش «نمادی از یک زیست»، زمان نگارش تاریخ جنگل را ۱۳۰۱ش، و نگارندگان را میرزا محمدی انشایی، شیخ علی علم‌الهدی، محمدعلی پیربازاری، مشهدی

۱. همان، صص ۵۰۹-۵۰۸.

۲. همان، ص ۵۰۹.

۳. همانجا.

۴. ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، تهران، جاویدان، ۱۳۵۷، ص ۱۰.

کاس آقا خیاط (حسام) و خودش معرفی کرده است.<sup>۱</sup>  
 فخرایی بدون اشاره به خودکشی ساسان کی‌آرش<sup>۲</sup>، در خرداد ۱۳۰۶ش<sup>۳</sup>،  
 که به نظر می‌رسد بی‌ارتباط با پیگیری وی برای جمع‌آوری تاریخ جنگل  
 نبوده، می‌نویسد: «بخشی از مندرجات کتاب ساسان کی‌آرش به وضع آشفته  
 و با تحریفات بسیار در مجلات و روزنامه‌های محلی و مرکز انتشار یافت اما  
 سرنوشت اصل کتاب همچنان نامعلوم ماند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که  
 مقتضیات امکان چاپ کتاب فراهم شد، نسخه اصلی به دست نیامد<sup>۴</sup> و لذا  
 وابستگان نهضت برای بار دوم به تحریرش همت گماشتند و با گردآوری  
 اطلاعات و مدارک، تنظیمش را به شکل تاریخ به عهده یکی از نویسندگان  
 گیلانی ساکن مرکز محول کردند. کتاب مزبور به طوری که اطلاع حاصل  
 شده پایان یافته و آماده چاپ است. بدیهی است که پس از طبع و انتشار،  
 شناسایی‌مان را درباره ماهیت این نهضت تکمیل خواهد نمود.<sup>۵</sup>

نکته مهم گزارش فخرایی از تدوین تاریخ جنگل همانا مجهول‌نویسی‌های  
 تعمدی ناشی از کتمان برخی مسائل است. فخرایی، ساسان کی‌آرش را  
 حامل تاریخ جنگل به آلمان معرفی می‌کند نه نگارنده آن! وی همچنین

۱. ابراهیم فخرایی، «نمادی از یک زیست»، یادگارنامه فخرایی، زیر نظر رضا رضازاده لنگرودی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، صص ۷۷-۷۶.

۲. لازم به ذکر است که فخرایی در مبحث دیگری بدون توضیح در خصوص تاریخ و علت خودکشی کی‌آرش، ذیل تصویر وی فقط از خودکشی‌اش در عنوان جوانی خبر داده است. ر.ک: فخرایی، سردار جنگل، ص ۴۵۹.

۳. در خصوص خودکشی ساسان کی‌آرش، ر.ک: شکایت محمد صالحی لاهیجانی راجع به خودکشی فرزندش، علی صالحی (ساسان کی‌آرش)، از میرزا علی‌خان صفایی امین مالیه و میرمهدی‌خان رئیس تلگراف مبنی بر اغفال داماد و همسرش برای رسیدگی به موضوع خودکشی و سلب آسایش از وی. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش.س. ۵۷۲۱۱۱.

۴. فخرایی، سردار جنگل، ص ۱۰. البته فخرایی در سال ۱۳۶۳ش، در خاطراتش مدعی شده که نسخه مزبور را ایرانشهر برای اسماعیل جنگلی فرستاده است. فخرایی، «نمایی از یک زیست»، ص ۷۷.

۵. فخرایی، سردار جنگل، صص ۱۱-۱۰.

۶. فخرایی در سال ۱۳۶۳ش، در خاطراتش می‌نویسد: «تاریخچه مزبور را تنظیم کردیم، چاپش با دوران دیکتاتوری سردار سپه جور در نمی‌آمد به ناچار کتابچه را به وسیله ساسان کی‌آرش برای حسین کاظم‌زاده ایرانشهر فرستادیم.» فخرایی، «نمادی از یک زیست»، ص ۷۷.

نه تنها نام نویسندگان تاریخ جنگل ارسالی برای نشریهٔ *ایران‌شهر* را هویدا نمی‌کند بلکه کماکان نام نویسندگانی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ش، مجدداً به تحریر تاریخ جنگل همت گماشتند را نیز در هاله‌ای از ابهام می‌گذارد. وی حتی از ذکر نام نویسندهٔ گیلانی ساکن مرکز نیز امساک می‌ورزد تا نگارش اولین تاریخ جنگل را تا سال ۱۳۶۳ش<sup>۱</sup>، در هاله‌ای از ابهام و ابهام باقی گذارد. جهت رفع گزارش ابهام‌آمیز فخرایی کافی است به گزارش حسین جودت در سال ۱۳۵۱ش، رجوع شود. وی شرح جالبی از چگونگی تدوین تاریخ جنگل ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «چند تن از علاقه‌مندان که در حوادث و اتفاقات جنگل شاغل مقام و یا شاهد و ناظر جریاناتی بودند در تهران دور هم جمع شدند و لزوم تنظیم و تدوین آن وقایع را واجب و ضروری شمردند. در این بین محمدعلی خان خماسی معروف به گیلک از همه بیشتر داوطلب بود. همگی قول دادند که در حدود امکانات و توانایی، اطلاعاتشان را نوشته، برای ایشان بفرستند.»<sup>۲</sup> وی نویسندگان تاریخ جنگل را بدین شرح معرفی می‌نماید: محمدعلی خماسی، رضا خواجه‌وی، حسین شهرستانی، حسن مهری، حسین نیکخوعنایت، صادق کوچکپور، سعیدالله درویش، نصرالله درویش، نصرت‌الله درویش، سیدصالح صالح، ابراهیم فخرایی و میرزا حسین جودت.<sup>۳</sup> اسماعیل راثین در مقدمه‌ای که بر خاطرات اسماعیل جنگلی نگاشته، یادآور شده که در سال ۱۳۲۱ش، شش تن از سران باقی‌ماندهٔ جنبش جنگل شامل میرصالح مظفرزاده، میرزا اسماعیل جنگلی، ابراهیم فخرایی، محمدعلی گیلک، کاس آقا خیاط و سیدصالح صالح اقدام به

۱. فخرایی در خاطراتش گیلانی مقیم مرکز را محمدعلی گیلک معرفی کرده است. ر.ک: همانجا.

۲. حسین جودت، *یادبودهای انقلاب جنگل و تاریخچهٔ جمعیت فرهنگ رشت*، تهران، درخشان،

۱۳۵۱، صص ۵-۶.

۳. همانجا.

تدوین تاریخ جنگل کردند.<sup>۱</sup> میرابوالقاسمی نیز از میراحمد مدنی به عنوان یکی از نگارندگان تاریخ جنگل یاد کرده است.<sup>۲</sup> گذشته از مغشوش بودن فهرست نویسندگان تاریخ جنگل، فرجام تدوین تاریخ جنگل بسیار قابل تأمل است. راثین یادآور شده کار تدوین سه سال به طول انجامیده، سرانجام در سال ۱۳۲۴ش، آماده چاپ شد، اما مسئله هزینه چاپ سبب عدم انتشار آن گردید.<sup>۳</sup> گیلک علت عدم انتشار را، فقدان وسایل، دست خالی و عدم مساعدت زمان و از همه مهم‌تر مسئولیت زندگی و نداشتن وقت کافی دانسته است.<sup>۴</sup> اما جودت علت آن را دغدغه گیلک در عدم بی‌طرفی نویسندگان قلمداد نموده است. وی یادآور شده که گیلک مایل بود کتاب تحت نظر شخص بی‌طرفی مانند عیسی صدیق اعلم، بررسی و نقد شود.<sup>۵</sup>

یأس ناشی از ناکامی در کار جمعی تدوین تاریخ جنگل، موجب گرایش نویسندگان تاریخ جنگل به نگارش انفرادی شد. کریم کشاورز در این خصوص می‌نویسد: «عده‌ای می‌خواستند تاریخ انقلاب جنگل را بنویسند، گیلک هم جزو آنان بود... اسناد را به تدریج نزد گیلک گرد آوردند... این اسناد دست گیلک بود، اشخاص برخی متفرق و پاره‌ای منصرف شدند. کتاب را نه او نوشت و نه دیگران.»<sup>۶</sup> از این‌رو اسماعیل جنگلی شخصاً اقدام به نگارش تاریخ جنگل نمود. تدوین این اثر تا سال ۱۳۲۷ش، ادامه یافت که با مرگ وی چند صفحه‌ای از آن باقی مانده بود.<sup>۷</sup> از فحوای گزارش راثین و

۱. اسماعیل جنگلی، قیام جنگل، مقدمه اسماعیل راثین، تهران، جاویدان، ۱۳۵۷، ص ۳۱.

۲. میراحمد مدنی، جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان، به کوشش محمدتقی میرابوالقاسمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۲۷.

۳. اسماعیل جنگلی، همان، ص ۳۱.

۴. محمدعلی گیلک، تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاه‌لادن عینی، رشت، گیلکان، ۱۳۷۱، ص ۲.

۵. جودت، همان، ص ۷.

۶. کریم کشاورز، یادبودهای انقلاب هفده ماهه جنگل، به کوشش هوشنگ عباسی، رشت، بلور، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۷. اسماعیل جنگلی، همان، ص ۳۱.

سایر داده‌های موجود می‌توان دریافت که علت عدم انتشار تاریخ جنگل گفت‌وگو بر سر هزینه چاپ بوده، بلکه اختلاف نظر شدید سران باقی مانده جنبش بر سر چگونگی تدوین تاریخ رسمی جنگل بوده است. به‌هرروی، اختلاف گفتمانی سران جنبش هیچ‌گاه به تدوین روایت برتر مورد تأیید آنان از تاریخ جنگل منجر نشد. در واقع فرصت‌سوزی بزرگان کلک و سیاست جنبش جنگل در فضای بالنسبه باز سیاسی عصر پارسا‌شاهی، مانع از التفات دگران به تدوین تاریخ جنگل نگردید. نقطه عطف توجه ایشان در رهبری فرهمند جنبش نهفته بود. نخستین گزارش مکتوب از تاریخ جنگل بعد از شهریور ۱۳۲۰ش، توسط صادق مهرنوش در مهر ۱۳۲۰ش، به شیوه پاورقی در نشریه سپیدرود به زیور طبع آراسته شد.<sup>۱</sup> پاورقی‌های مهرنوش در این نشریه تا پایان اسفند ۱۳۲۰ش، تداوم یافت.<sup>۲</sup> بدین ترتیب سکوت بیست‌ساله جنبش جنگل که در هاله‌ای از واگویی‌های مکتوم استمرار یافته بود، نه تنها به چالش کشیده شد بلکه زمینه‌ساز ابدال واگویی‌های مستور جنبش جنگل به روایات مسطور گردید.

متعاقب پاورقی‌های مهرنوش اثر داستانی حسن تهرانی افشاری با نام «میرزا کوچک‌خان» در آذر ۱۳۲۰ش، منتشر شد. تهرانی در مقدمه کتابش یادآور شده که قصد داشته اثرش را در سال ۱۳۱۶ش، برای چاپ به فرخی

۱. جهت اطلاع بیشتر رک: مهرنوش، «جلسات اولیه میرزا و یارانش، شکل‌گیری تشکیلات جنگلی‌ها»، سپیدرود، س ۱۶، ش ۱۱۲، ۱۴ مهر ۱۳۲۰، ص ۲. هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، خبری سپیدرود که در رشت با صاحب‌امتیازی میرزا خلیل یوسف‌زاده نوعی عمومی مهرنوش از سال ۱۳۱۹ش، منتشر شده است ادامه هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، خبری معیشت ملی است که توسط همان صاحب‌امتیاز در رشت از سال ۱۳۰۵ش، منتشر می‌شده است. محمد صدری طباطبائی نائینی، *راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴ش)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۴۱۹ و ۶۴۳.

۲. مهرنوش، «جنگل»، سپیدرود، س ۱۷، ش ۱۶۷، ۲۸ اسفند ۱۳۲۰، ص ۲؛ بهنام رضائی‌نژاد، *راهنمای توصیفی مآخذ نهضت جنگل از آغاز تا ۱۳۹۳*، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷.

یزدی بسپارد اما به اقتضای سیاست وقت از چاپ آن جلوگیری شده است.<sup>۱</sup> وی در خصوص انتشار کتابش می‌نویسد: «نسیم جان‌پرور سوم شهریور وزیدن گرفت و آزادی مطبوعات در سراسر کشور حکمفرما شد و زمینه برای چاپ داستان جنگل مهیا.»<sup>۲</sup>

گذشته از اثر داستانی تهرانی افشاری، دومین اثر تاریخ جنگل که در واقع باید آن را اولین کتاب تاریخی جنبش جنگل نامید به میرزا محمد تمیمی طالقانی تعلق دارد. متأسفانه از تاریخ نگارش این اثر اطلاعی در دست نیست. زیرا در سال انتشار آن - ۱۳۲۴ش - نویسنده در قید حیات نبوده است.<sup>۳</sup> سه انگیزه سبب تألیف این اثر شد: اول مأموریت تمیمی از سوی دولت و ثوق‌الدوله برای مذاکره صلح با جنگلی‌ها که به گفت‌وگوی وی با دکتر حشمت منجر شد؛<sup>۴</sup> دوم مسئله هم‌ولایتی بودن تمیمی با حشمت که به محوریت دکتر حشمت در جنبش و القای برتری حشمت بر میرزا در جای‌جای کتاب انجامید<sup>۵</sup> و سوم که به عقیده محمود پاینده لنگرودی جهت تسویه حساب خصوصی با علی‌اصغرخان حشمت ثانی، برادر دکتر حشمت بود.<sup>۶</sup>

در هنگامه اختلاف نظر میان سران جنبش بر سر تدوین تاریخ رسمی جنگل، یکی از رهبران جداشده و نفر دوم جنبش یعنی حاج احمد کسمایی

۱. حسن تهرانی افشاری، *میرزا کوچک خان*، تهران، بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۲۰، ص ۱.
۲. همانجا. البته لازم به یادآوری است که در چاپ دوم این اثر در سال ۱۳۴۸ش، مقدمه مزبور حذف گردیده است. ر.ک: حسن تهرانی افشاری، *میرزا کوچک‌خان*، تهران، بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۴۸.
۳. میرزا محمد تمیمی طالقانی، دکتر حشمت که بود؟ جنگل گیلان چه بود؟، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۴، ص مقدمه. همو، دکتر حشمت که بود؟ *داستان جنگل* چه بود؟، تصحیح و تحشیه محمد داودی، تهران، رسانش، ۱۳۸۹، ص ۹.
۴. تمیمی طالقانی، ۱۳۲۴، ص ۸۴.
۵. همان، صص ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۷ و ۵۳ و ۵۶.
۶. محمود پاینده لنگرودی، *یادی از دکتر حشمت جنگلی*، تهران، شعله اندیشه، ۱۳۶۸، ص ۱۱.



بنا به درخواست دخترش پوران کسمایی اقدام به تقریر خاطراتش نمود.<sup>۱</sup> تقریرات کسمایی در آذر ۱۳۲۴ش، آغاز و در بهمن ۱۳۲۷ش، پایان یافت. اما این کتاب بعد از مرگ کسمایی حتی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ نیز اجازه انتشار نیافت.<sup>۲</sup>

ماحصل مقالات مهنوش که از مهر ۱۳۲۰ش، در نشریه سپیدرود آغاز شده بود، بعد از یک دهه فترت از آذر ۱۳۳۱ مجدداً در نشریه سایبان از سر گرفته شد،<sup>۳</sup> در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ش، به صورت کتاب در پنج جلد سامان یافت که در جستار بعدی به شکل مبسوط بدان پرداخته خواهد شد. انتشار کتاب *سردار جنگل* نوشته ابراهیم فخرایی در سال ۱۳۴۴ش، با وقفه‌ای ۲۳ ساله هنایشی ژرف بر تاریخ‌نگاری جنبش جنگل برجای نهاد و زمینه‌ساز پیدایش و تثبیت روایت برتر در تاریخ رسمی جنبش جنگل شد. فخرایی با کتمان پیشینه تاریخ‌نگاری جنبش جنگل و غیرقابل اعتماد نامیدن آثار منتشره، اثر خود را اولین و کامل‌ترین و به تعبیری ناسخ تواریخ جنبش جنگل نامید. وی در این خصوص می‌نویسد: «چون هنوز کتاب مدوتی حاوی حقایق جنگل در دست نیست و آنچه تاکنون به نظر رسیده مغشوشند و از نظر نقص و جهات دیگر قابل اعتماد نیستند... نگارنده به توصیه چند تن از دوستان... از بیم آنکه مبدا ماهیت انقلاب در جریان حقیقی واقعات جنگل کماکان در سینه‌ها مدفون و این قسمت از تاریخ کشور ما در پس

۱. احمد کسمایی، *یادداشت‌های احمد کسمایی*، تصحیح منوچهر هدایتی، رشت، کتیبه گیل، ۱۳۸۲، ص ۲۴.

۲. همان، صص ۲۷-۲۵.

۳. جهت اطلاع بیشتر رک: صادق مهنوش، «مجموعه جنگل»، *سایبان*، س ۲، ش ۱، ۲۳ آذر ۱۳۳۱، صص ۲-۳. نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خبری، ادبی و هنری *سایبان* در سال ۱۳۳۰ش، در رشت به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی عبدالحسین ملک‌زاده شروع به کار کرد. در سال ۱۳۳۲ش، صاحب‌امتیازی به محمد آذرمنند سپرده شد اما مدیر مسئولی کماکان بر عهده ملک‌زاده باقی ماند. محمد صدری طباطبائی نائینی، همان، ج ۱، صص ۴۱۶-۴۱۵.

پرده استتار مکتوم بماند... به منظور رفع بعضی شبهات و قضاوت‌های نادرست، تصمیم گرفت تا آنجا که شرایط و مقدمات اجازه می‌دهند، خاطراتی را که از جنگل به یاد مانده و مطالبی که در مطبوعات دیده و یا از اهل اطلاع شنیده است... با جریان واقعات و مدارک و اسناد جمع‌آوری نموده، در معرض افکار عمومی بگذارد.<sup>۱</sup>

متعاقب انتشار کتاب فخرایی، سیلی از تصدیق‌ها و تقریظ‌ها، مطبوعات ایران را درنوردید. طرفه آنکه نشریات رشت از جمله *سایبان* که از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۴۰ش، مقالات متعدد مهنوش در خصوص تاریخ جنگل را منتشر کرده بود، گوی سبقت از سایرین را ربود. قدیر بیشه‌بان از فرهنگیان رشت در *سایبان* طی تقریظی بر *سردار جنگل*، اثر فخرایی را در کمال بی‌نظری و دور از هرگونه حبّ و بغض دانسته که پرده از روی بسیاری از صحنه‌ها و شخصیت‌های انقلابی جنبش جنگل برداشته است.<sup>۲</sup> اقبال عمومی<sup>۳</sup> ناشی از تبلیغات گسترده در خصوص *سردار جنگل* نه تنها این اثر را به روایت برتر جنبش جنگل تبدیل کرد بلکه موجب شد تا تواریخ قبل به‌ویژه *تاریخ جنگل مهنوش* به طاق نسیان معاریف کلک و سیاست سپرده شود. گویی فخرایی نخستین مورخ جنبش جنگل و تاریخ او اکمل‌التواریخ است و پیدایی و پایایی تاریخ‌نگاری جنبش جنگل با او معنا و مفهوم می‌یابد.<sup>۴</sup>

۱. فخرایی، همان، ص ۸.

۲. همان، ص ج.

۳. از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ش، *سردار جنگل* به چاپ نهم رسید.

۴. به‌رغم تقریظ‌های مذکور که در مقدمه *سردار جنگل* و با اجازه فخرایی گردآوری شده، وی در سال ۱۳۶۳ش، خفص جناح نموده، نگارش *سردار جنگل* را یکی از سرگرمی‌های دوران بازنشستگی خود نامیده است (فخرایی، «نمادی از یک زیست»، ص ۲۱۳). این در حالی است که وی در سال ۱۳۴۴ش، تلویحاً نگارش این اثر را ضرورتی مبرم قلمداد نموده است از این‌رو از اواخر دهه ۶۰، زمزمه‌هایی در خصوص نواقص و کاستی‌های تاریخ فخرایی مطرح شد. ر.ک: م.پ. جکتاجی، «شجره دور از جنگل»، *یادنامه ابراهیم فخرایی*، تهران، طلایه، ۱۳۶۸، صص ۱۳-۱۲.

## مهرنوش و تاریخ‌نگاری جنبش جنگل

صادق مهرنوش در سال ۱۲۸۱ش / ۱۳۲۰ق، در اردبیل متولد شد.<sup>۱</sup> پدرش مسیب یوسف‌زاده اردبیلی از تجاری بود که از اردبیل به رشت آمده و در رشت در خیابان چراغ برق رحل اقامت افکند.<sup>۲</sup> وی از طریق بندر انزلی با روسیه تجارت می‌کرد.<sup>۳</sup> خاندان مادری‌اش نیز از علمای اردبیل بودند. مهرنوش مادرش خاورخانم را دختر یکی از مجتهدین اردبیل<sup>۴</sup> و خالویش حاج ملاعلی حاجب‌الائمه را صندوق‌دار حاج میرزا علی‌اکبر مجتهد اردبیلی معرفی کرده است.<sup>۵</sup> مهرنوش ابتدا تحصیلات قدیمه خود را در مقطع ابتدایی به پایان رسانید<sup>۶</sup>، سپس در مدرسه احمدی رشت که به گفته جودت تنها مدرسه متوسطه شهر بود<sup>۷</sup> ادامه تحصیل داد. این مدرسه که در زمان احمدشاه تأسیس شده بود، به مدیریت حسین نیکروان اداره می‌شد. میرزا حسین خان جودت کمیسر فرهنگ و احسان‌الله‌خان نیز از معلمین این مدرسه بود.<sup>۸</sup>

مهرنوش در مصاحبه با نشریه دامون در دی‌ماه ۱۳۵۹ش، علت پیوستن‌اش به جنبش جنگل را ارادت به میرزا کوچک‌خان قلمداد کرده است.<sup>۹</sup> در حالی که وی در تاریخ جنگل تلویحاً تصویر دیگری از چگونگی ورودش به جنگل ارائه داده است. وی در این خصوص می‌نویسد: «در سال

۱. ابراهیم مروجی، پیشگامان فرهنگ گیلان از آغاز تا انقلاب ۱۳۵۷، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲. صادق مهرنوش، تاریخ جنگل، رشت، مؤلف، ۱۳۳۸، ج ۴، ص ۱۲۶؛ همو، ج ۵، ص ۴۱.

۳. ابراهیم مروجی، «بی‌مهری به خانه مهرنوش»، داگر، س ۱، ش ۸ و ۹، خرداد و تیر ۱۳۸۸، ص ۷.

۴. همان، ج ۵، ص ۱۰.

۵. همان، ج ۴، ص ۶۲.

۶. مروجی، پیشگامان فرهنگ گیلان، ص ۲۳۵.

۷. حسین جودت، همان، ص ۱۳.

۸. مهرنوش، همان، ج ۲، ص ۳۵ و ج ۵، ص ۵؛ جودت، همان، ص ۱۴.

۹. دامون، مصاحبه با مهرنوش، س ۱، ش ۱۴، ۱۵ آذر ۱۳۵۹، ص ۲.

۱۲۹۶ش/۱۳۳۵ق، با تسلط جنگلی‌ها بر رشت کمک مالی ماهیانه دولت به مدرسه احمدی که از عایدات نواقل کوچصفهان پرداخت می‌شد، قطع شد. از این رو جمعی از دانش‌آموزان مدرسه احمدی جهت خدمت رهنسپار جنگل شدند.<sup>۱</sup> از فحوای گزارش مهرنوش چنین مستفاد می‌شود که وی نیز یکی از دانش‌آموزان مزبور بوده است. مهرنوش در کادر اداری، ذیل مالیه جنگل شروع به کار کرد. وی در دوران جمهوری با نام صادق شعله در مالیه جنگل تحت نظارت محمد قوامی (خورشید)، صندوق حق‌العبور را اداره می‌کرد.<sup>۲</sup> مهرنوش تا پایان جنبش در اداره مالیه بر همان شغل تحویل‌داری حق‌العبور باقی ماند و در هیچ جنگی شرکت نکرد.<sup>۳</sup>

مهرنوش بعد از شکست جنبش جنگل رهنسپار تهران شد و در دایره دفتر نظامی بخش مالیه وزارت جنگ مشغول شد<sup>۴</sup>، اما به علت دوری از خانواده و عدم رغبت به کار در ارتش با صلاح‌دید حاج قائم‌مقام‌الملک تقاضای استعفا نمود و به‌رغم توصیه‌های شکوه‌الملک و کریم‌آقا بودرجمهری مغضوب رضاشاه واقع گردید و مدتی در شمس‌العماره محبوس شد تا اینکه سرانجام با وساطت سرلشکر علایی، رئیس دارایی ارتش از زندان آزاد و راهی رشت گردید.<sup>۵</sup> بدین‌سان خانه‌نشینی وی به علت خروج از ارتش آغاز شد.<sup>۶</sup> ممنوعیت خدمت در مشاغل دولتی تا سقوط رضاشاه تداوم یافت. چرا که رضاشاه دستور داده بود هرکس از خدمت در ارتش استعفا دهد، حق احراز مقام دولتی را ندارد.<sup>۷</sup>

۱. مهرنوش، همان، ج ۲، صص ۳۶-۳۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۶۱.

۳. همان، ج ۵، صص ۴ و ۱۰ و ۴۱.

۴. مروجی، پیشگامان فرهنگ گیلان، ص ۲۳۵.

۵. دامون، مصاحبه با مهرنوش، ۱ دی ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۵، ص ۷.

۶. همانجا.

۷. همانجا.

وقایع شهریور ۱۳۲۰ش، هنایشی ژرف بر حیات فرهنگی و اجتماعی مهنوش برجای نهاد. فضای بالنسبه باز سیاسی بعد از شهریور ۲۰، فرصت مناسبی فراوی مهنوش قرار داد. بدین سان وی توانست مجموعه اسناد و مدارک و روایات افواهی راجع به تاریخ جنگل را که در دوران مهیب سانسور رضاشاهی از میان صندوق های سر به مهر و واگویه های پنهانی جمع آوری کرده بود، در نشریه سپیدرود رشت که صاحب امتیاز آن عمویش میرزا خلیل یوسفزاده نوعی بود به صورت پاورقی از مهر تا اسفند ۱۳۲۰ش، منتشر نماید.<sup>۱</sup>

همزمان با تجدید حیات فرهنگی مهنوش بنابر بخشنامه آبان ۱۳۲۰ش، مسئله ممنوعیت استخدام وی در ادارات دولتی منتفی شد. از این رو، مهنوش به استخدام اداره فرهنگ درآمد<sup>۲</sup> و تا سال ۱۳۴۲ش، که بازنشسته شد، به عنوان دفتردار و حسابدار دبیرستان فروغ رشت و حسابدار اداره فرهنگ گیلان خدمت کرد.<sup>۳</sup>

همان گونه که بدان اشارت رفت، مهنوش اولین مرحله دور انتشار تاریخ جنگل را در بازه زمانی تقریبی مهر تا اسفند ۱۳۲۰ش<sup>۴</sup>، در سپیدرود سامان داد. اما بنا به دلایلی نامکشوف از ادامه انتشار مقالات تاریخ جنگل در نشریه عمویش صرف نظر کرد. متأسفانه مهنوش در مصاحبه با نشریه دامون، دلیل فترت ده ساله انتشار پاورقی هایش را مکتوم گذاشته است. به نظر می رسد عده ای از انتشار پاورقی های مهنوش ناخرسند بوده اند لذا با ارباب و تهدید

۱. دامون، مصاحبه با مهنوش، ۱۵ آذر ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۴، ص ۲.

۲. همان، ۱ دی ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۴، ص ۷.

۳. مروجی، پیشگامان فرهنگ گیلان، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۳۵.

۴. لازم به یادآوری است که بازه زمانی تقریبی مورد نظر بر اساس شماره های موجود نشریه سپیدرود در کتابخانه هاست. جهت اطلاع بیشتر از شماره های موجود مقالات مهنوش در سپیدرود رک:

رمضانی نژاد، همان، صص ۱۴۷-۱۴۳.

وی را از تداوم انتشار پاورقی‌های مزبور برحذر داشته‌اند. اگرچه اثبات این فرضیه بسیار دشوار است اما شکوایه‌ای از مهنوش در دست است که می‌تواند تا حدودی راهگشای مسئله مزبور باشد. مهنوش در تابستان ۱۳۲۳ش، در خانه‌اش مورد سوء قصد مسلحانه محمد ایلخانی<sup>۱</sup> قرار گرفت. به‌رغم اخذ اسلحه از ایلخانی و ارسال آن به دادگاه، یک‌ماه‌ونیم پرونده شکایت مهنوش به بهانه عزیمت دادستان به تهران راکد ماند و با وجود پیگیری‌های مستمر مهنوش، رئیس عدلیه رشت به تظلم وی وقعی ننهاد. از این‌رو، مهنوش در مهر ۱۳۲۳ش، به ریاست مجلس شورای ملی و میرصالح مظفرزاده نماینده گیلان، شکایت برد و خواهان رسیدگی به شکایتش و رفع شرارت محمد ایلخانی شد.<sup>۲</sup> متأسفانه سندی از فرجام شکوایه مهنوش در دست نیست. دو نکته در شکوایه مهنوش قابل تأمل است، اول آنکه علت خصومت ایلخانی با وی چه بوده است؟ آیا این خصومت جنبه شخصی داشته یا اینکه ایلخانی از سوی فرد یا افرادی تحریک شده است؟ دوم علت راکد ماندن پرونده مهنوش چه بوده است؟ چرا میرصالح مظفرزاده، جنگلی سابق و نماینده لاحق مجلس شورای ملی به تظلم موکلش مهنوش، جنگلی سابق و مورخ لاحق جنبش جنگل وقعی نمی‌گذارد؟ به نظر می‌رسد تا زمان کسب اسناد و مدارک متقن فرضیه‌ای برای سؤال نخست متصور نیست، اما در مورد سؤال دوم می‌توان چنین استنباط نمود که بی‌توجهی مزبور با مشی تاریخ‌نگاری رسمی جنگل که مظفرزاده یکی از نویسندگان آن بوده، هم‌سو

۱. متأسفانه از هویت محمد ایلخانی اطلاعی حاصل نشد. به نظر می‌رسد وی از بستگان ولی‌الله ایلخانی ساکن روستای تنگ‌دره رامسر و از هواداران حزب جنگل چالوس بوده باشد. ر.ک: بهروز طبرانی، *اسناد احزاب سیاسی ایران*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۴۴۴-۴۴۲ و ۴۵۳.

۲. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شکایت مهنوش به مجلس مبنی بر سوء قصد مسلحانه محمد ایلخانی، ش.س ۳۹۷۴۲۷، مورخ ۱۳۲۳/۸/۲.

بوده است. کما اینکه با تأسیس حزب جنگل اجتماعیون در سال ۱۳۲۴ش، میر صالح مظفرزاده رئیس حزب، ابراهیم فخرایی دبیر حزب و اسماعیل جنگلی از اعضای برجسته حزب گردیدند. به عبارتی سه تن از نویسندگان تاریخ جنگل در جایگاه رهبری حزب جنگل اجتماعیون قرار گرفتند<sup>۱</sup> و در به حاشیه راندن روایت مهنوش از تاریخ جنگل افزودند. بدین سان فترت انتشار پاورقی‌های مهنوش تا سال ۱۳۳۱ش، استمرار یافت.

در ۱۶ آذر ۱۳۳۱ش، مهنوش دور دوم انتشار پاورقی‌های تاریخ جنگل را در نشریه سایبان آغاز کرد. این پاورقی‌ها به شکل نه‌چندان منظم تا سال ۱۳۴۰ش، ادامه یافت.<sup>۲</sup> وی در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ش، مجموعه مقالاتش را تکمیل و تاریخ جنگل را در پنج جلد منتشر کرد. مجلدات اول و دوم در سال ۱۳۳۴ش<sup>۳</sup>، جلد سوم در بهمن ۱۳۳۶ش، منتشر شدند.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد مجلدات چهارم و پنجم در فاصله سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ش، منتشر شده باشند چون از تاریخ دقیق انتشار این مجلدات اطلاع دقیقی در دست نیست. مروجی تاریخ انتشار مجلدات چهارم و پنجم را ۱۳۳۸ش، نوشته است.<sup>۵</sup> نشریه دامون سال انتشار جلد چهارم را ۱۳۳۸ش<sup>۶</sup>، و جلد پنجم را فاقد تاریخ آورده<sup>۷</sup> در حالی که در گزارش درگذشت مهنوش سال

۱. بهروز طبرانی، همان، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۸۲؛ ابراهیم فخرایی، «نمادی از یک زیست»، ص ۱۵۸.

۲. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: رضائی‌نژاد، همان، صص ۱۵۳-۱۴۷.

۳. جلد اول در ۹۱ صفحه به صورت ضمیمه روزنامه فریاد لامیجان به بهای ۲۵ ریال در رشت منتشر شد. محل فروش آن کتابفروشی‌های طاعتی، مزده و راسخ در رشت بود. جلد دوم در ۱۳۵ صفحه در مهر ۱۳۳۴ش، منتشر شد. لازم به ذکر است که نشریه فریاد لامیجان در ۷ دی ۱۳۳۰ش، توسط احمد دلجو در رشت منتشر شد و تا سال ۱۳۴۳ش، تداوم یافت. ر.ک: فریدون نوزاد، تاریخ جراید و مجلات گیلان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۰.

۴. جلد سوم در ۱۲۲ صفحه به صورت ضمیمه فریاد لامیجان به بهای ۲۵ ریال در چاپخانه نورشت چاپ شد. محل فروش آن کتابفروشی‌های طاعتی و مزده بود.

۵. مروجی، پیشگامان فرهنگ گیلان، ج ۱، ص ۲۳۶.

۶. دامون، کتابشناسی جنگل، ۱۵ آذر ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۴، ص ۷.

۷. همانجا.

انتشار جلد پنجم را ۱۳۴۵ش، ذکر کرده است.<sup>۱</sup> سهو کلک محمدتقى پوراحمد جکتاجى صاحب امتياز و مدير مسئول *دامون مبنى* بر سال انتشار جلد پنجم - ۱۳۴۵- به کتابشناسى گيلان وى تسرى يافت.<sup>۲</sup> افشين پرتو و عليرضا كشوردوست هم به تاسى از جکتاجى دچار همان سهو قلم شده اند.<sup>۳</sup> به نظر مى رسد با توجه به اتمام پاورقى هاى مهنوش در نشریه *سايان* به سال ۱۳۴۰ش، تاريخ انتشار جلد پنجم ۱۳۴۰ بوده باشد نه سال ۱۳۴۵ش. انتشار نامنظم مجلدات سوم تا پنجم بدون ذکر تاريخ آن بر آگاهى نازل کتابشناسان از وجود تاريخ پنج جلدى مهنوش افزود. کما اينکه ايرج افشار به طور کامل از وجود آن بى اطلاع ماند<sup>۴</sup> و خانبايا مشار فقط از مجلدات اول و دوم که در سال ۱۳۳۴ش، منتشر شده بود، آگاهى يافت.<sup>۵</sup> ناآگاهى از وجود مجلدات سوم تا پنجم به نوشته هاى راثين نيز راه يافت. وى بدون ذکر نام مهنوش و کتابش در جستار اهميت تاريخ نگارى فخرابى از کتابى دو جلدى پيش از *سردار جنگل* نام برد.<sup>۶</sup>

مهنوش تا فروپاشى نظام سلطنتى در ايران رغبتى به تکميل تاريخ جنگل نشان نداد. وى بعد از فروپاشى رژيم پهلوى، در صدد برآمد تا تاريخ مقاومت جنگليان پس از شهادت ميرزا را بنگارد. وى در پاسخ به سؤال نشریه *دامون* در خصوص امکان تأليف جلد ششم تاريخ جنگل مى گويد: «خير، تاريخ جنگل جلد ششمى ندارد، آنچه راجع به ميرزا بود، گفتم. اما

۱. *دامون*، جنگلى پير درگذشت، ۱ بهمن ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۷، ص ۱.
۲. محمدتقى پوراحمد جکتاجى، فرشته طالاس انساندوست، حسن معصومى اشكورى، کتابشناسى گيلان، رشت، سازمان برنامه و بودجه، استان گيلان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۸۱.
۳. افشين پرتو، عليرضا كشوردوست، پژوهش نامه، راهنماى پژوهش در تاريخ و جغرافياى گيلان، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۹، ص ۱۷۶.
۴. ايرج افشار، کتابشناسى ده ساله (۱۳۴۲-۱۳۳۳)، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۴۶، صص ۵۴۹-۵۱۵.
۵. خانبايا مشار، فهرست کتاب هاى چاپى فارسى، تهران، ارژنگ، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۰۶۷؛ همان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۶۹۱.
۶. اسماعيل جنگلى، همان، ص ۳۲.



راجع به یکی دو تن از جنگلی‌ها مانند سیدجلال چمنی و کبریت‌خان که بعد از شکست جنبش زنده بودند و علیه حکومت مرکزی قیام کردند، مطالبی تدوین نموده، در صورت امکان به صورت کتاب به انتشار آن مبادرت می‌کنم.<sup>۱</sup> متأسفانه طرح تألیف تاریخ مقاومت جنگل بعد از شهادت میرزا به علت درگذشت مهنوش، در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۹ ش<sup>۱</sup>، ناکام ماند.<sup>۲</sup>

### پژواک تاریخ مهنوش در پژوهش‌های جنگل

دعاوی و بزرگنمایی فخرایی در خصوص نگارش نخستین تاریخ جنگل با ماهیتی انتقادی نسبت به نظام پهلوی، به‌رغم حمایت‌های پیدا و پنهان عوامل رژیم از جمله فرهاد مسعودی در خصوص انتشار سردار جنگل مورد توجه مخالفین رژیم پهلوی قرار گرفت و زمینه‌ساز تقریظ‌هایی از سوی دکتر مصدق، احسان طبری، خسرو گل‌سرخ‌ی و مصطفی شجاعیان بر کتاب سردار جنگل شد.<sup>۳</sup> در واقع انتشار سردار جنگل موجب توجه گل‌سرخ‌ی و شجاعیان به جنبش مسلحانه جنگل گردید و به مساعی نافرجام گل‌سرخ‌ی در خصوص پژوهش پیرامون حیدرخان فشتالی<sup>۴</sup> و نگارش کتاب شوروی و نهضت انقلابی جنگل توسط شجاعیان در سال ۱۳۴۹ ش، منجر شد. هرچند که اداره

۱. دامون، «مصاحبه با صادق مهنوش»، ۱۵ آذر ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۴، ص ۳.

۲. دامون، «جنگلی پیر درگذشت»، ۱ بهمن ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۷، ص ۱.

۳. محمدتقی پوراحمد جکتاجی در سال ۱۳۹۴ ش، مقاله «سیدجلال چمنی» مهنوش را که از سال ۱۳۵۹ ش، نزد او برای چاپ به امانت گذاشته شده بود منتشر کرده است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: صادق مهنوش، «سیدجلال چمنی»، گیلان‌نامه، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، به کوشش م.پ. جکتاجی، رشت، گیلکان، ۱۳۹۴، ج ۸، صص ۲۷۱-۲۵۱.

۴. جهت اطلاع بیشتر از چگونگی نخستین چاپ سردار جنگل ر.ک: ابراهیم فخرایی، «نمادی از یک زیست»، صص ۲۱۶-۲۱۳.

۵. محمداسماعیل عرفانی (برقی)، میرزا کوچک‌خان جنگلی، حیدرخان فشتالی (دیپلمانی)، رشت، بلور، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

سانسور اجازه انتشارش را نداد<sup>۱</sup> و كتاب به صورت ساميزدات - خودنشر - انتشار يافت. اما فخرائي تقريظي با عنوان «كتابي كم نظير» بر آن نوشت،<sup>۲</sup> تا كماكان سايه روايت خود را به عنوان يگانه منبع تاريخ جنگل بر اولين كتاب تحليلي بعد از انتشار سردار جنگل مستدام دارد.<sup>۳</sup>

در سال ۱۳۵۰ش، شاپور رواساني رساله دكترايش را با عنوان «نهضت ميرزا كوچك خان جنگلي و اولين جمهوري شورائي در ايران» در هانور به اتمام رسانيد و در سال ۱۳۵۲ش / ۱۹۷۳م، آن را در آلمان غربي به زبان آلماني منتشر كرد.<sup>۴</sup> وي نيز احتمالاً به علت عدم آگاهي از وجود تاريخ مهنوش از آن استفاده نكرده است<sup>۵</sup> و كماكان اساس پژوهش خود را بر پايه تاريخ فخرائي سامان داد. در سال ۱۳۵۷ش، اسماعيل رائين، خاطرات اسماعيل جنگلي را منتشر كرد. وي در مقدمه اين كتاب در گزارشي مغشوش بدون ذكر نام مهنوش، او را به اشتباه گيلاني و كتابش را دو جلد با لغزش هاي فراوان معرفي كرد.<sup>۶</sup>

با سقوط رژيم پهلوي، جنبش وسيعي جهت انتشار خاطرات و اسناد و مدارك جنگلي ها و پژوهش در خصوص جنبش جنگل به وجود آمد. ابتدا به نظر مي رسيد در شرايط جديد انقلابي تاريخ مهنوش نيز از محاق خارج و مورد توجه پژوهشگران قرار گيرد، اما به زغم شرايط مناسب ناشي از انقلاب،

۱. مصطفي شعاعيان، نگامي به روابط شوروي و نهضت جنگل، تهران، مؤلف، ۱۳۴۹، ص ۱.

۲. همان، صص ۶-۱.

۳. به نظر مي رسد كه نه تنها شعاعيان بلكه ويراستار انتشارات مزدك هم كه كتاب شعاعيان را در سال ۱۳۵۶ش، در فلورانس منتشر كرده است، از وجود تاريخ مهنوش بي اطلاع بوده است. زيرا با آنكه يگانه استناد شعاعيان به سردار جنگل را از نواقص كتاب او مي داند اما ذكرى از تاريخ مهنوش نمي كند. ر.ك: شعاعيان، همان، سرسخن ويراستار.

۴. شاپور رواساني، نهضت ميرزا كوچك خان جنگلي و اولين جمهوري شورائي در ايران، تهران، چاپخش، ۱۳۶۳، ص ۱۳.

۵. جهت اطلاع بيشتر از منابع فارسي رواساني، ر.ك: همان، صص ۳۰۲-۳۰۱.

۶. اسماعيل جنگلي، همان، ص ۳۲.

کماکان تاریخ مهنوش مورد بی‌توجهی قرار گرفت و از حاشیه به متن تاریخ‌نگاری جنگل گذار نکرد.

در سال ۱۳۵۸ش، دو اثر در خصوص تاریخ جنگل منتشر شد، سهراب صبوری فرزند محمدحسن صبوری دیلمی (۱۳۵۰-۱۲۷۹ش) یادداشت‌های پدرش که از مجاهدین جنگل بود را منتشر کرد.<sup>۱</sup> صبوری در مقدمه بدون ذکر نام مهنوش از زحمات ابراهیم فخرایی جهت نگارش سردار جنگل تشکر کرد.<sup>۲</sup> اثر دیگر به صفا موسوی گوراب زرمخ (تولد ۱۲۹۰ش) تعلق دارد.<sup>۳</sup> وی نیز بدون اشاره به تاریخ مهنوش زحمات فخرایی را تقدیر و شہامت وی را در خصوص انتشار سردار جنگل در عصر خفقان پهلوی دوم ستوده است.<sup>۴</sup>

در سال ۱۳۵۹ش، فخرایی در مصاحبه با نشریه دامن در خصوص تاریخ‌نگاری جنگل ضمن نام بردن از ایوانف، احسان طبری و شعاعیان و ستودن دیدگاه‌های طبری و شعاعیان، هیچ ذکری از مهنوش و تاریخش نکرد.<sup>۵</sup> البته لازم به یادآوری است که فخرایی از مهنوش ذیل نویسندگان گیلان هم یاد نکرده است.<sup>۶</sup>

در سال ۱۳۶۳ش، خاطرات یقیکیان با توضیحات مبسوط برزویه دهگان منتشر شد. به‌رغم دیدگاه محققانه و انتقادی دهگان به کتاب سردار جنگل و

۱. محمدحسن صبوری دیلمی، نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل، به کوشش سهراب

صبوری دیلمی، تهران، چاپخانه مظاهری، ۱۳۵۸، صص ۱۶۰-۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. صفا موسوی گوراب زرمخ، تاریخ مکمل جنگل، رشت، چاپخانه حقیقت، ۱۳۵۸، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۱۲۱.

۵. دامن، «گفت‌و شنود با ابراهیم فخرایی»، ۱ آذر ۱۳۵۹، س ۱، ش ۱۳، ص ۳.

۶. جهت اطلاع بیشتر رک: ابراهیم فخرایی، مشاهیر گیلان، ویرایش هادی میرزائزاد موحد، رشت،

فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۴.

نقد عدم امانتدارى فخرائى، در ارجاع به يقىكيان<sup>۱</sup>، از تاريخ جنگل مهنوش، استفاده نكرده<sup>۲</sup> كه به نظر مى رسد دهگان از وجود تاريخ مهنوش بى اطلاع بوده است.

بخش اعظم پژوهش هاىي كه طى دهه هاى ۶۰ الى ۹۰، در خصوص جنبش جنگل سامان يافته نيز از تاريخ مهنوش بهره اى نبرده اند. برخى از اين پژوهشگران از وجود تاريخ مهنوش بى اطلاع و برخى ديگر به رغم آگاهى از وجود تاريخ مهنوش، آن را درخور استناد نيافته اند. از جمله پژوهشگراني كه از وجود تاريخ مهنوش بى اطلاع بوده اند، مى توان به حميد گروگان<sup>۳</sup>، غلامرضا گلى زواره<sup>۴</sup> و خسرو شاكري اشاره كرد. در ميان اين پژوهشگران خسرو شاكري از جاىگاه ويژه اى برخوردار است. وي ضمن شرحى مبسوط از كتابشناسى جنبش جنگل<sup>۵</sup>، نامى از مهنوش نبرده است. در حالى كه در معرفى بلورخانم و خدماتش به جنبش جنگل<sup>۶</sup>، به مصاحبه دامون با مهنوش اشاره كرده است.<sup>۷</sup> اين مسئله بيانگر عدم آگاهى شاكري از تاريخ مهنوش است.

به نظر مى آيد بخش قابل توجهى از پژوهشگران كه تاريخ مهنوش را نه از شكوفه كلك بلكه آگاهانه و تعمداً مکتوم گذاشته اند از گيلانيان و ناشران

۱. گريگور يقىكيان، شوروى و جنبش جنگل، به كوشش برزويه دهگان، تهران، نوين، ۱۳۶۳، صص بيست و پنج و بيست و شش.

۲. جهت آگاهى از توضيحات و استنادات دهگان، ر.ك: همان، صص ۵۶۵-۴۶۱.

۳. حميد گروگان، حماسه ميرزا كوچك خان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۴، ص ۱۴۳.

۴. غلامرضا گلى زواره، ماه در محاق، زندگى و مبارزات ميرزا كوچك خان جنگلى، تهران، اميركبير و نشر بين الملل، ۱۳۸۳. نکته جالب اينكه گلى زواره در كتابش علاوه بر استناد به فخرائى و اسماعيل جنگلى از محمود طلوعى، مسعود بهنود و احمد احرار كه فاقد اعتبار تاريخى هستند استفاده كرده است. ر.ك: همان، صص ۱۴۵-۱۴۴ و ۲۲۳.

۵. خسرو شاكري، ميلاد زخم، جنبش جنگل و جمهورى شوروى سوسياليستى ايران، ترجمه شهريار خواجويان، تهران، اختران، ۱۳۸۶، صص ۲۱-۱۹ و ۵۶۰-۵۵۹.

۶. همان، ص ۸۵.

۷. همان، ص ۵۷۵.

گیلان بوده‌اند. از جمله این پژوهشگران که به فخریایی تأسی جسته‌اند می‌توان به جهانگیر سرتیپ‌پور<sup>۱</sup>، شاپور آلیانی<sup>۲</sup>، علی رفیعی جیردهی و نعمت‌الله شهرستانی<sup>۳</sup>، عباس نعیمی<sup>۴</sup>، حسن کهنسال و اجارگاه<sup>۵</sup>، ناصر عظیمی<sup>۶</sup> و... اشاره کرد. روند فزاینده ناآگاهی از وجود تاریخ مهرنوش از سوئی و مکتوم گذاشتن آن از سوی دیگر، به همایش‌های علمی جنبش جنگل تسری یافت. در سال ۱۳۸۱ش، همایش بازشناسی نهضت جنگل

۱. جهانگیر سرتیپ‌پور نه تنها در مقدمه‌ای که بر تاریخ گیلک در خصوص تاریخ‌نگاری جنگل نوشته، نامی از مهرنوش نبرده بلکه وی را جزو نامداران گیلان هم تلقی نکرده است. ر.ک: محمدعلی گیلک، همان، صص ۹- چهارده. جهانگیر سرتیپ‌پور، نام‌ها و نامدارهای گیلان، رشت، گیلکان، ۱۳۷۰.

۲. شاپور آلیانی نوه حسن خان آلیانی معین‌الرعا با آنکه از تاریخ مهرنوش آگاه بوده، از آن استفاده نکرده است. این در حالی است که وی از رمان مردی از جنگل اثر احمد احرار به عنوان منبع تاریخی استفاده نموده است! جهت اطلاع بیشتر ر.ک: شاپور آلیانی، نهضت جنگل و معین‌الرعا، با همکاری علی رفیعی جیردهی، بی‌جا، میثا، ۱۳۷۵، صص ۹۹ و ۳۰۱. در مورد استفاده احمد احرار از تاریخ جنگل مهرنوش، ر.ک: احمد احرار، مردی از جنگل، تهران، علمی، ۱۳۴۶، ص ۵۹۱.

۳. علی رفیعی جیردهی در مقدمه‌ای بر رمان تاریخی نعمت‌الله شهرستانی با عنوان گائوک، از اهمیت آن داد سخن داده، ذکر کرده که مطالب این رمان تاریخی که توسط جوان‌ترین عضو حزب جنگل - شهرستانی - جمع‌آوری شده حاصل شنیده‌های وی از اعضای حزب جنگل و به‌خصوص حسین شهرستانی از دوستان گائوک بوده است. همچنین وی شرح کشفی از منابع مورد استفاده شهرستانی ارائه داده است. البته بدون ذکر تاریخ مهرنوش. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: نعمت‌الله شهرستانی، گائوک افسر آلمانی در ارتش نهضت جنگل، رشت، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۱، ص پ.

۴. عباس نعیمی نیز در پژوهش خود به‌رغم بررسی ۲۰۸ منبع و مأخذ از مهرنوش استفاده نکرده است. ر.ک: عباس نعیمی، جریان‌شناسی سیاسی جنبش جنگل، تهران، چاپخش، ۱۳۹۱، صص ۳۵۴-۳۳۷.

۵. حسن کهنسال و اجارگاه در مبحث جنبش جنگل از تاریخ مهرنوش استفاده نکرده است. ر.ک: حسن کهنسال و اجارگاه، طاهره میرزایی راجعونی، نقش سردار محیی در تحولات گیلان عصر مشروطه و جنبش جنگل، رشت، بلور، ۱۳۹۴، صص ۱۹۶-۱۷۷.

۶. ناصر عظیمی در جغرافیای سیاسی جنبش و انقلاب جنگل از مجموع ۴۹ منبع و مأخذ، ذکری از مهرنوش نکرده است. کما اینکه در «روایتی نو از جنبش و انقلاب جنگل» نیز در ۷۱ منبع و مأخذ مورد استفاده‌اش نامی از مهرنوش رؤیت نمی‌شود. وی همچنین در اثر دیگرش به نام تاریخ گیلان نیز، به‌رغم بهره‌مندی از ۲۲۰ منبع و مأخذ از تاریخ جنگل مهرنوش استفاده نکرده است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: ناصر عظیمی، جغرافیای سیاسی جنبش و انقلاب جنگل، مشهد، نیکا، ۱۳۸۸، صص ۲۷۰-۲۶۷؛ همو، روایتی نو از جنبش و انقلاب جنگل، تهران، ژرف، ۱۳۹۴، صص ۳۲۸-۳۲۳ و همو، تاریخ گیلان از ورود شاه‌عباس به گیلان تا پایان انقلاب جنگل، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۶، صص ۶۵۰-۶۴۱.

توسط شورای شهر رشت برگزار شد. از مجموع ۳۴ مقاله تأییدشده در همایش، هیچ‌یک از پژوهشگران در مقالات خود از تاریخ جنگل مهرنوش به‌علت ناآگاهی و یا مکتوم نگاه‌داشتن آن، استفاده نکرده‌اند.<sup>۱</sup>

ناآگاهی از وجود تاریخ مهرنوش و یا کتمان آن توسط برخی از پژوهشگران به چالش کشیده شد. ایشان ضمن اشارت به اهمیت تاریخ مهرنوش، از مطالب آن در جهت انکشاف مسائل غامض و مکتوم جنبش جنگل بهره‌مند شدند. رحیم رئیس‌نیا نخستین پژوهشگری بود که با آگاهی از تاریخ پنج جلدی مهرنوش و بهره‌مندی از آن، چگونگی اعدام حیدرخان عمواغلی را هویدا کرد.<sup>۲</sup> محمود پاینده لنگرودی بر مطالب ارزشمند مهرنوش در مورد اعدام دکتر حشمت، صحنه گذاشت و آن را یکی از منابع معتبر نامید.<sup>۳</sup> محمدتقی میرابوالقاسمی، متعاقب پاینده بر اهمیت گزارش مهرنوش در مورد اعدام دکتر حشمت تأکید کرد و به تبعیت از پاینده<sup>۴</sup>، گزارش مهرنوش را بر اطلاعات پراکنده فخرایی، ارجح دانست.<sup>۵</sup> فریدون شایسته ضمن بررسی خدمات فرهنگی یاران میرزا بعد از خاتمه جنبش جنگل به مهرنوش هم اشارت نمود<sup>۶</sup> و به تأسی از میرابوالقاسمی گزارش

۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: مجموعه مقاله‌های همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت، شهریاران، ۱۳۸۲.

۲. رحیم رئیس‌نیا، حیدر عمواغلی در گذر از طوفان‌ها، تهران، دنیا، ۱۳۶۰، صص ۳۴۸-۳۴۷. لازم به ذکر است که ویژگی بهره‌مندی از تاریخ مهرنوش در آثار رحیم رضازاده ملک و اسماعیل راثین به‌واسطه عدم بهره‌مندی ایشان از تاریخ مهرنوش وجود ندارد. ر.ک: رحیم رضازاده ملک، حیدرخان عمواغلی، چکیده انقلاب، تهران، روزبه، ۱۳۵۱؛ اسماعیل راثین، حیدرخان عمواغلی، تهران، جاویدان، ۱۳۵۲.

۳. محمود پاینده لنگرودی، یادی از دکتر حشمت جنگلی، تهران، شعله اندیشه، ۱۳۶۸، صص ۱۲ و ۱۱۵ و ۱۱۷. ۱۴۰-۱۳۹. در خصوص استناد پاینده به مهرنوش در مورد حاج احمد کسمایی ر.ک: همان، ص ۹۵.

۴. همان، ص ۱۲.

۵. محمدتقی میرابوالقاسمی، دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل، تهران، ندا، ۱۳۷۸، ص ۱۳.

۶. فریدون شایسته، نهضت جنگل از آغاز تا فرجام، رشت، فرهنگ ایلینا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳.

مهرنوش را در جایگاه شاهد عینی اعدام دکتر حشمت معتبر تلقی کرد.<sup>۱</sup> افشین پرتو نیز بر همین سیل، گزارش مهرنوش را قابل استناد دانست.<sup>۲</sup> منوچهر هدایتی در تحشیه‌ای که بر خاطر حاج احمد کسمایی نگاشت در موارد متعددی به مهرنوش استناد نمود.<sup>۳</sup> فریدون نوزاد نیز تاریخ مهرنوش را مد نظر داشته و در مواردی چند بدو استناد نموده است.<sup>۴</sup>

گونه دیگری از پژوهشگران هستند که نام مهرنوش را در فهرست منابع خود ذکر کرده‌اند اما در متن بدان ارجاعی نداده‌اند. جعفر مهرداد یکی از این پژوهشگران است. مهرداد در فهرست منابع کتاب خود، نام کتاب مهرنوش را «میهن!» و سال انتشار آن را ۱۳۲۲ ش، ذکر کرده است.<sup>۵</sup> اما در سراسر کتابش هیچ ارجاعی به آن نداده است.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد این گزارش مغشوش ناشی از عدم رؤیت اصل کتاب مهرنوش بوده است.

### جایگاه تاریخ مهرنوش در کتابشناسی جنبش جنگل

گزارش‌های ارائه‌شده از تاریخ جنگل مهرنوش در کتابشناسی‌ها اغلب مغشوش و ناکارآمد است. اولین گزارش مربوط به فهرست‌نویسی خانبابا

۱. همان، صص ۵۰-۴۹.

۲. افشین پرتو، گیلان و خیزش جنگل، تاریخ گیلان در دوران احمدشاه قاجار، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۱، صص ۲۱۳-۲۱۱. افشین پرتو از مجموع ۱۵۰ منبع و مأخذ از جلد سوم تاریخ مهرنوش بهره‌مند شده است. وی سال انتشار جلد سوم را ۱۳۳۴ ش، نوشته است که صحیح آن ۱۳۳۶ ش است. ر.ک: همان، ص ۴۱۶.

۳. در خصوص استنادات منوچهر هدایتی به مهرنوش در مورد حاج احمد کسمایی، سعدالله درویش، حسن خان آلیانی، اعدام حیدرخان، اعدام مفاخرالملک و افشاگری علیه رضا افشار، ر.ک: احمد کسمایی، یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل، تصحیح و تحشیه منوچهر هدایتی، خوشکلام، رشت، کتیبه گیل، ۱۳۸۲، صص ۱۳ و ۱۷ و ۱۵۸-۱۵۷ و ۱۶۲-۱۶۱ و ۱۷۱-۱۷۰.

۴. در مورد استنادات نوزاد به مهرنوش ر.ک: فریدون نوزاد، نقش احسان‌الله‌خان در نهضت جنگل، رشت، کتیبه گیل، ۱۳۸۶، صص ۳۴ و ۵۷ و ۶۷.

۵. جعفر مهرداد، مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل، تهران، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶.

۶. همان، صص ۱۳۳-۱۲۸.

مشار در سال ۱۳۵۰ش، است. خانابایا مشار تاریخ جنگل را با اتکاء به مجلدات اول و دوم که در سال ۱۳۳۴ش، در رشت منتشر شده بود، دو جلد معرفی کرده است،<sup>۱</sup> نه پنج جلد. به نظر می‌رسد مجلدات سوم تا پنجم که در طی سال‌های ۱۳۳۶ تا حدود ۱۳۴۰ش، منتشر شده است به رؤیت وی نرسیده است. البته این در حالی است که ایرج افشار اساساً از وجود تاریخ مهرنوش بی‌اطلاع بوده است.<sup>۲</sup> نویسندگان کتابشناسی گیلان در سال ۱۳۶۸ش، اولین گزارش از وجود تاریخ پنج جلدی مهرنوش را بدین شرح ارائه دادند: صادق مهرنوش (شعله)، تاریخ جنگل، رشت، مؤلف، ۱۳۴۵-۱۳۳۴ش، ۵ج، ۶۱۶ص.<sup>۳</sup> همین اطلاعات طابق النعل بالنعل در سال ۱۳۶۹ش، در پژوهش‌نامه، منعکس شد.<sup>۴</sup> یگانه نکته قابل تأمل این گزارش، همانا سال ۱۳۴۵ش، یعنی یک سال بعد از انتشار کتاب فخرایی است که به صحت نزدیک نیست. نویسندگان پژوهش‌نامه، تاریخ مهرنوش را منبعث از خاطرات وی دانسته‌اند. از این‌رو به علت حضور مهرنوش در بطن ماجرای جنگل اثرش را مستند و بسیار خوانندی معرفی کرده‌اند.<sup>۵</sup>

روبرت واهانیان در سال ۱۳۸۸ش، در همایش انجمن مهرورزان گیلان پژوه ضمن طبقه‌بندی روایات جنگل، تاریخ مهرنوش را جزو رمان‌های

۱. خانابایا مشار، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران، ارزنگ، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۰۶۷. در چاپ دوم همان مطالب چاپ اول منعکس شده است. ر.ک: همان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۶۹۱.

۲. در خصوص عدم اطلاع ایرج افشار از انتشار تاریخ مهرنوش، ر.ک: ایرج افشار، کتابشناسی ایران، ۱۳۳۴، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۵؛ همو، کتابشناسی ایران، ۱۳۳۶، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۷؛ همو، کتابشناسی ده‌ساله (۱۳۴۲-۱۳۳۳ش)، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۴۶، صص ۵۴۹-۵۱۵.

۳. محمدتقی پوراحمد جکتاجی، فرشته طالش انساندوست، حسن معصومی اشکوری، همان، ص ۵۸۱.

۴. افشین پرتو، علیرضا کشوردوست، همان، ص ۱۶۷.

۵. همانجا.



تاریخی<sup>۱</sup> و خارج از اسناد و روایات تاریخی قلمداد کرد.<sup>۲</sup> عباس پناهی هم در راستای دیدگاه واهانیان تاریخ جنگل مهنوش را روایتی داستانی، سطحی و غیرواقعی می‌داند.<sup>۳</sup> وی بدون ذکر نام، دیدگاه پژوهشگرانی که تاریخی مهنوش را جزو مهم‌ترین منابع جنگل می‌دانند را نقد کرده، متذکر می‌شود با آنکه تاریخ جنگل مهنوش نخستین اثر پس از یادداشت‌های کی‌آرش در مورد جنگل است، اما به جهت ماهیت داستانی و ذکر شخصیت‌های گمنام و موهوم؟! نمی‌تواند مورد استناد پژوهشگران قرار گیرد.<sup>۴</sup> در نقد پناهی سه نکته قابل تأمل وجود دارد: اول اینکه وی بدون آگاهی از وجود پاورقی‌های مهنوش از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ش، در نشریات سپیدرود و سایبان، کتاب پنج جلدی مهنوش را حاصل سلسله‌مقالات مهنوش از خاطراتش در جنبش جنگل می‌داند که در نشریه فریاد لاهیجان در حواصل سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ش، چاپ می‌شده است،<sup>۵</sup> بدون آنکه وجه افتراق میان خاطرات با داستان را مشخص نماید؛ دوم، بهتر بود وی نام پژوهشگرانی که تاریخ مهنوش را جزو منابع مهم تاریخ جنگل می‌دانند، مشخص کرده، سپس دیدگاه ایشان را به شکل مستند و مستدل، بررسی و نقد نماید تا با نام اثرش یعنی *مآخذشناسی تحلیلی، توصیفی جنبش جنگل*، همخوانی داشته باشد؛ دیگر آنکه چند نفر از افراد گمنام و موهوم در تاریخ مهنوش را ذکر می‌کرد و با بررسی سایر منابع، موهوم بودن ایشان را اثبات می‌کرد. نکته سوم اینکه چه عاملی باعث شده که پناهی تاریخ جنگل مهنوش را جزو

۱. روبرت واهانیان، «کنکاشی در کم‌وکیف منابع و ادبیات تاریخی جنبش جنگل از صادق مهنوش تا خسرو شاکری»، گیلان مهر، مقالات گیلان‌شناسی، سخنرانی‌های گیلان‌شناسان در سال ۱۳۸۱ش، به کوشش مصطفی فرض‌پور ماچانی، رشت، حرف نو، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰.

۲. همان، صص ۱۶۲-۱۶۰.

۳. عباس پناهی، *مآخذشناسی تحلیلی، توصیفی جنبش جنگل*، رشت، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۵، ص ۵۴.

۴. همان، صص ۵۵-۵۳.

۵. همان، ص ۵۳.

مآخذ تاریخی جنگل ذکر نماید نه در فهرست آثار داستانی و ادبی جنگل؟<sup>۱</sup> در سال ۱۳۹۱ش، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری با همکاری کنگره ملی بزرگداشت میرزا کوچک‌خان جنگلی و خانه کتاب، کتابشناسی میرزا کوچک‌خان را منتشر کردند. در این اثر از ۱۶۷ کتاب معرفی شده، تاریخ جنگل مهنوش بسیار مغشوش، بدون تاریخ انتشار و تعداد مجلدات، نمایه شده است.<sup>۲</sup> همچنین در بخش مقالات ضمن معرفی ۲۵۳ مقاله هیچ اشاره‌ای به پاورقی‌های مهنوش در سپیدرود و سایبان نشده است.<sup>۳</sup> کامل‌ترین توضیح در خصوص کتاب‌ها و مقالات مهنوش به گروه پژوهشی بهنام رضانی‌نژاد تعلق دارد. وی تاریخ جنگل را خاطرات صادق مهنوش از وقایع جنگل معرفی کرده است که تاریخ جنگل را با بیانی روایی همراه با توصیف شخصیت‌های برجسته جنبش جنگل، متن نامه‌ها، معاهدات و اعلان‌های جنبش، سامان داده است.<sup>۴</sup> نکته بدیع این پژوهش، فهرست کاملی از مقالات موجود مهنوش در نشریات سپیدرود و سایبان میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ش، است.<sup>۵</sup>

### جایگاه روایت‌پردازی در تاریخ مهنوش

همان گونه که در جستار قبلی بدان اشارت رفت، بخش اعظم پژوهشگران اثر مهنوش را به واسطه روایت‌پردازی وی، جزو رمان تاریخی طبقه‌بندی کرده، آن را فاقد وجاهت تاریخی ارزیابی نموده‌اند. بنابر ارزیابی‌های مذکور

۱. همان، صص ۱۴۱-۱۳۰.

۲. علی خویشوند، کتابشناسی میرزا کوچک‌خان جنگلی، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۱، صص ۱۳ و ۶۹.

۳. همان، صص ۱۳ و ۲۷۷.

۴. بهنام رضانی‌نژاد، راهنمای توصیفی مآخذ نهضت جنگل از آغاز تا ۱۳۹۳ش، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳.

۵. در این فهرست ۱۱۰ مقاله مهنوش به صورت توصیفی، معرفی شده است. ر.ک: همان، صص ۱۵۳-۱۴۳.

تمام مطالب مهنروش بر روایت‌پردازی داستانی سامان یافته نه بر روایت‌پردازی تاریخی. روایت‌پردازی و استفاده از عناصر روایت در تاریخ با داستان وجه تمایز ظریفی دارد و آن بیان هنرگونه روایت در داستان نسبت به تاریخ است. داستان‌نویس روایت را با بیان ظریف و هنرمندانه خود می‌پرورد در حالی که در تاریخ روایت همان کنش گزارشگری است. در واقع تاریخ و داستان دو عنصر به هم پیوسته هستند. هنگامی که مورخ یک حادثه را ثبت می‌کند ناخودآگاه از روایت و داستان‌پردازی بهره می‌گیرد.<sup>۱</sup> به عبارتی تاریخ‌نگار رویدادهای تاریخ را روایت می‌کند و داستان‌نویس رویدادهای داستان را.<sup>۲</sup> تاریخ‌نگار به رویدادها و شخصیت‌های واقعی و عینی می‌پردازد در حالی که داستان‌نویس به خلق رویدادها و شخصیت‌های حقیقی و ذهنی خود می‌پردازد. اگرچه مهنروش به واسطه ماهیت اثرش که بر پاورقی‌نویسی استوار است و به واسطه مخاطبانش یعنی عامه مردم، در برخی موارد توسن تخیلش بر واقعیت پیشی گرفته و به روایت‌پردازی داستانی پرداخته است اما با مذاقه در مصادیق موجود در مطالب وی، می‌توان چنین استنتاج نمود که بخش قابل ملاحظه‌ای از روایاتش منبعث از روایات تاریخی است نه روایات داستانی.

### الف - روایت‌های تاریخی مهنروش

ماهیت روایت تاریخی بر رویدادهای عینی مترتب است، در واقع تاریخ‌نگار روایت تاریخی را خلق نمی‌کند بلکه آن را همراه با عینیت تاریخی ثبت و ضبط می‌نماید. در این جستار روایت‌های تاریخی مهنروش بررسی خواهد

۱. محسن محمدی فشارکی، فضل‌الله خدادادی، «از تاریخ تا داستان، تحلیل عناصر مشترک بین تاریخ و داستان»، پژوهش‌های تاریخی دوره جدید، س ۴، ش ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۷۵.